

برنامه درسی آموزش صلح در دوره ابتدایی

سمیرا تیغ بخش^{۱*}، زهره سعادت‌مند^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۵/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۲/۱۵

چکیده

پژوهش حاضر باهدف طراحی برنامه درسی مبتنی بر آموزش صلح در دوره ابتدایی انجام گرفت. این پژوهش با به‌کارگیری روش تحلیل محتوای کیفی به واکاوی متون و اسناد بین‌المللی در ارتباط با آموزش صلح پرداخته است. حوزه پژوهش شامل متون و اسناد بین‌المللی و انجمن‌های وابسته به سازمان ملل و یونسکو و انجمن مدارس بین‌الملل که در زمینه آموزش صلح در دوره ابتدایی چارچوب مناسب ارائه داده‌اند و نیز از کلیه منابع چاپی و الکترونیکی در دسترس مبتنی بر اهداف و سؤالات پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شد. تجزیه و تحلیل اطلاعات با به‌کارگیری نظام مقوله‌ای قیاسی انجام گرفت. یافته‌های پژوهش نیز در شش عنصر اصلی اهداف، محتوا، راهبردهای یاددهی - یادگیری، تکنیک‌های ارزشیابی، محیط و فضای یاددهی - یادگیری، منابع و ابزار یاددهی - یادگیری به دست آمد. در این پژوهش برای بررسی روایی از معیار باورپذیری و برای بررسی پایایی از معیار اطمینان‌پذیری استفاده شده است. پایایی طراحی برنامه درسی برای دوره ابتدایی توسط متخصصین نیز در هر مرحله مورد بررسی قرار گرفته است.

کلمات کلیدی: آموزش جهانی، آموزش صلح، جهانی‌شدن، دوره ابتدایی، طراحی برنامه درسی.

^۱ - دکترای برنامه ریزی درسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان) و مدرس دانشگاه، پست

الکترونیکی: Samiratighbakhsh@yahoo.com

^۲ - عضو هیئت علمی و دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، پست الکترونیکی:

zo.saadatmand@yahoo.com

مقدمه

در آغاز هزاره جدید چالش‌های عمیقی فراروی جامعه جهانی وجود دارد. موارد متعددی چون انزوا و گوشه‌گیری جوانان از جامعه، افزایش میزان جنایات خشونت‌بار جوانان و نوجوانان، تخریب محیط‌زیست و درگیری‌های متعدد محلی و بین‌المللی ازجمله این مسائل می‌باشند. به علت پیچیدگی‌های موجود در جهان معاصر و گسترش وسایل ارتباط جمعی، بسیاری از کودکان، خشونت را از طریق رسانه‌ها فرامی‌گیرند (دواین، ۱۹۹۸، ص ۲).

همچنین ظهور اینترنت و بازی‌های رایانه‌ای خشونت را بیش‌ازپیش ترویج داده‌اند، به‌نحوی که به تدریج خشونت جزئی از فرهنگ شده و در قالب رفتارهای عادی و روزمره نوجوانان و جوانان متبلور می‌شود، پدیده‌ای که از آن تحت عنوان طبیعی‌سازی خشونت نام برده می‌شود (فتیحی، ۱۳۹۰، ص ۳).

جیمزیکي از محققان در حوزه «آموزش صلح» بر این باور است که حتی بهترین مدارس نیز خشونت را هرروز از طریق قوانین و مقررات، محتوای آموزشی و روش‌های تعلیم و تربیت اعمال می‌نمایند. به‌زعم وی، هنگامی که قوانین و مقررات آموزشی بدون مشارکت دانش‌آموزان تدوین و اجرا می‌شود یا برنامه درسی مدارس به‌صورت زمان‌بندی‌شده، فقط بر اساس نظرات بزرگسالان و بدون کمترین توجه به نیازهای دانش‌آموزان تدوین می‌گردد، خود ترویج‌کننده خشونت است (جیمز، ۲۰۰۰، ص ۴۳).

این نوع خشونت که از آن تحت عنوان خشونت ساختاری نیز نام می‌برند، می‌تواند احساسات و عکس‌العمل‌های عاطفی و هیجانی را در بین دانش‌آموزان ترویج دهد. در چنین وضعیتی دانش‌آموزان فکر می‌کنند که هیچ‌گونه کنترل و اختیاری بر زندگی و تحصیل خود ندارند و نتیجه طبیعی این فرایند، آسیب دیدن عزت‌نفس و احساس خود ارزشمندی آن‌هاست که خود یکی از مؤلفه‌های مهم حقوق بشر است که باید به آن توجه ویژه کرد (فتیحی، ۱۳۹۰، ص ۲).

در چنین شرایطی شاید به سختی بتوان از «آموزش صلح» در مدارس صحبت کرد؛ اما در عین حال مطالعات بیان شده این حقیقت را گوشزد می‌کند که «آموزش صلح» نمی‌تواند تنها بر توقف خشونت فیزیکی در مدرسه و جامعه متمرکز باشد بلکه آماده‌سازی بچه‌ها برای زندگی صلح‌آمیز مستلزم تعلیم و تربیتی همه‌جانبه است که آگاهی آنان را از خود، اجتماع، فرهنگ و محیط‌زیست افزایش دهد و این امر نه تنها باید از طریق اجرای برنامه‌های «آموزش صلح»، بلکه باید در قالب فعالیت‌های تربیتی، تدوین و اجرای قوانین، روش‌های آموزشی و فضا و تعاملات موجود در سطح مدرسه به‌ویژه در سطح مدارس ابتدایی که بچه‌ها از آمادگی بیشتری برای جامعه‌پذیری برخوردارند دنبال شود. اهمیت و ضرورت آموزش و آماده‌سازی کودکان و نوجوانان برای صلح، حوزه مطالعاتی جدیدی را تحت عنوان «آموزش صلح» به وجود آورده است. آموزش صلح رشته جوانی است که در صدد خلق فرصت‌های لازم برای ایجاد جامعه‌ای مبتنی بر عدالت و زیست مسالمت‌آمیز است (مک فارلند، ۲۰۰۳، ص ۳).

با دقت نظر در برنامه درسی مدارس دوره ابتدایی جهان مشاهده می‌شود که همراه با فرآیند جهانی‌شدن، آموزش‌هایی باهدف آگاه ساختن از مسائل عمده جهانی، از قبیل توسعه پایدار، حقوق بشر، صلح و امنیت محیط آغاز شده است و «آموزش صلح» در اکثر کشورهای دنیا به‌عنوان یک آموزش مدون مطرح شده و در تمامی برنامه‌های درسی رخنه نموده است. شواهد و مطالعات نشان می‌دهد که فهرست اهداف برنامه‌های صلح در اکثر کشورهای جهان کم‌وبیش مشابه است. بااین‌همه در کشورهای مختلف جهت‌گیری‌های گوناگونی درباره اصول متون و روش‌های آموزش صلح وجود دارد. کشورهایی هستند که در آن‌ها رشته‌های بدینی، مانع فعالیت‌های صلح‌جویانه به حساب می‌آیند. تربیت ناکافی معلمان و کمبود منابع برای مطالعه، اغلب از موانع فعالیت در زمینه n «آموزش صلح» به شمار می‌روند، چون بنیادهای نظری گوناگونی برای این نوع آموزش وجود دارد. مثلاً در کشورهای غربی، «آموزش صلح» یک کارآموزشی تصور می‌شود که تفاهم و همکاری بین‌المللی را افزایش می‌دهد و در کشورهای سوسیالیستی، «آموزش صلح» به معنای تعلیم انسانیت و برابری، در قالب نظام آموزش و پرورش رسمی کشور است و همه این آموزش‌ها

درواقع وابسته به آموزش صلح هست، زیرا صلح هدفی برای رشد تاریخی جوامع سوسیالیستی شده است، در این کشورها عملاً فاصله میان نظر و عمل بسیار بوده است. در کشورهای در حال توسعه، «آموزش صلح» همان آموختن بی‌عدالتی‌های حاکم بر جامعه و تلاش برای کاهش یا از بین بردن آن‌هاست و تلاشی برای رشد اقتصادی، اجتماعی و ملیت است (سانز، ۱۹۹۳، ص ۶۸).

و از آنجاکه در سال‌های اخیر خاورمیانه با جنگ و خشونت، بی‌عدالتی، تخریب زیست‌محیطی و اثرات آن‌ها روبروست و مسلماً همراه با آن امنیت اقتصادی، امنیت فرهنگی، امنیت زیست‌محیطی، امنیت اجتماعی، امنیت سیاسی و هم چنین امنیت نظامی کشورهای منطقه نیز دستخوش تغییراتی خواهد شد بنابراین ضرورت دارد که به‌صورت ویژه به مفهوم آموزش صلح در مدارس و در کتب درسی بالاخص دوره ابتدایی که سرآغاز رشد و تحول فکری و عقلانی دانش آموزان است پرداخته شود. از این رو پژوهش حاضر درصدد برآمد تا به طراحی برنامه درسی مبتنی بر آموزش صلح در دوره ابتدایی بپردازد. نتایج حاصل از این پژوهش می‌تواند رهنمودهای بسیاری را برای برنامه ریزان و دست‌اندرکاران تدوین کتب درسی ارائه نماید تا در کتب درسی مخصوصاً کتب درسی دوره ابتدایی مؤلفه‌های آموزش صلح لحاظ شود و از جمله این که بین‌المللی کردن برنامه‌های درسی و نگریستن به عنوان شهروند جهانی و ترویج فرهنگ شهروند جهانی در محتوای کتب درسی مدنظر قرار گیرد و نیز پژوهش حاضر این موضوع را به دست‌اندرکاران و برنامه ریزان درسی و آموزشی گوشزد می‌کند که به تربیت معلمان و آموزش ضمن خدمت معلمان در راستای مؤلفه‌های آموزش صلح اقدام نمایند تا آموزش محتوای کتب درسی در راستای آموزش صلح به‌درستی صورت گیرد و هدف‌های آموزشی به‌درستی تحقق یابند و نیز برای داشتن آموزش صلح جهانی باید به تغییر استراتژی‌های یاددهی - یادگیری و نیز به ارزشیابی مستمر دانش آموزان و معلمان و مراکز آموزشی در راستای آموزش صلح اقدام نمایند و در این راستا منابع و ابزار یادگیری و نیز فضا و محیط یادگیری را نیز مورد غفلت قرار ندهند.

پژوهش‌های داخلی

فلاح نودهی (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان بررسی مؤلفه‌های آموزش صلح یونسکو در اسناد و مدارک جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۵-۱۳۸۳ سند چشم‌انداز بیست‌ساله نظام جمهوری اسلامی ایران، مؤلفه‌های هفت‌گانه آموزش صلح را که عبارت‌اند از: حقوق بشر و دموکراسی، تعاون و همبستگی، حفظ فرهنگ‌ها، خود و دیگران، جهان‌وطنی، حفاظت محیط‌زیست و معنویت را در کتاب‌های درسی موردبررسی قرار دادند و به این نتایج دست یافتند که بیشترین فراوانی مربوط به مؤلفه خود و دیگران و کم‌ترین فراوانی مربوط به مؤلفه‌های انتر ناسیونالیسم و حفاظت از محیط‌زیست هست.

هاشمی (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان تحلیل محتوای کتاب‌های درسی علوم اجتماعی دوره ابتدایی بر اساس مؤلفه آموزش صلح به این نتیجه دست‌یافته است که جهت‌گیری اصلی کتاب‌های درسی در ارتباط با آموزش صلح بر حفظ انسجام ملی و تمامیت ارضی کشور، شناسایی دشمن، آشنا ساختن یادگیرندگان با سیاست‌های استعماری کشورهای قدرتمند غربی، عدم توازن قدرت و مبادلات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشورها در سطح بین‌المللی و مقابله با فتنه و تهاجم دشمنان هست.

قلناش (۱۳۸۹) در پژوهشی به بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های آموزش حقوق بشر در کتاب‌های درسی علوم اجتماعی دوره ابتدایی پرداخته است. نتایج نشان داده است که در کتب درسی ۱۹/۲۳ درصد به بعد شناختی، ۷/۳۴ درصد به بعد عاطفی و ۱۰/۶۵ درصد به بعد عملکردی حقوق بشر توجه شده است. او به حقوق فردی، حقوق در روابط بین انسان‌ها، حقوق کودکان و دموکراسی پرداخته است.

تیغ بخش (۱۳۹۰) در پژوهشی به بررسی تحلیل محتوای برنامه‌های درسی تعلیمات اجتماعی بر مبنای مؤلفه‌های پدیده جهانی‌شدن پرداخته است. مؤلفه‌های پژوهش شامل آموزش شهروندی، آموزش چند فرهنگی، آموزش صلح، آموزش محیط‌زیست و آموزش سلامت بودند. روش مورد استفاده در تحلیل محتوای پژوهش آنتروپی شانون و واحد تحلیل نیز صفحات (متن، پرسش‌ها، تمرین‌ها و تصاویر) بود. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل

داده‌ها نشان داد که به هر چهار مؤلفه آموزش جهانی یعنی آموزش شهروندی (۰/۲۲۷) و آموزش سلامت (۰/۲۲۶)، آموزش چند فرهنگی (۰/۲۰۵) و آموزش صلح (۰/۲۰۵) به یک نسبت پرداخته شده بود و این در حالی بود که به مؤلفه آموزش محیط زیست (۰/۱۳۵) در حد کم پرداخته شده بود و نیز به شاخص‌های حس همبستگی، احساس مسئولیت در برابر دیگران، فرهنگ گذشت و بخشش، اهمیت صلح در زندگی انسان‌ها و میزان توجه به آسیب‌های جنگ به ترتیب ضریب اهمیت توجه شده بود.

ذکاوتی (۱۳۹۰) در پژوهش خود با عنوان آموزش صلح به متمم پیشنهاد یونسکو در مورد به رسمیت شناختن آموزش صلح در حکم اصلی فراگیر در آموزش اشاره کرده و نوشته است: هدف آموزش صلح پرورش انسانی است که بتواند منتقدانه فکر کند و بر اساس دیدگاه انسان دوستانه‌ی خود نسبت به زندگی برای خلق دنیایی عادلانه با دیگران همکاری کند در این زمینه او عقیده دارد آموزش چهار مسئله‌ی اصلی جهانی یعنی انقلاب فناوری، محیط زیست، اطلاعات و ارتباطات و صلح و تبیین ارتباط آن‌ها با یکدیگر تا حد زیادی در کاهش احتمال جنگ مؤثر است.

ساعد (۱۳۹۰) در پژوهش خود با عنوان حقوق بشر، صلح و امنیت بین‌المللی به نقل از سازمان ملل در بیانیه ۱۹۸۹ ریشه‌های آموزش جهانی را در جریان‌های تربیتی نظیر آموزش برای صلح جستجو نموده است که سازمان ملل در بیانیه ۱۹۸۹ آموزش ابتدایی را توصیه نموده و برنامه‌ای را برای تربیت پایه بررسی کرده است که شامل مواردی چون: تربیت حقوق بشر، تربیت صلح، تربیت چند فرهنگی و بین فرهنگی، تربیت محیطی هست که باید برنامه ریزان و دست‌اندرکاران نظام آموزشی این موارد را مدنظر قرار داده و این موارد را نیز در برنامه‌های درسی مدارس بگنجانند.

عابدینی بلتورک (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان بررسی مؤلفه‌های آموزش صلح در کتب درسی دوره ابتدایی، مؤلفه‌های آموزش صلح شامل: حس همبستگی، فرهنگ گذشت و بخشش، احساس مسئولیت در برابر دیگران، شناخت تنوع و تفاوت‌های فردی، نفی تمایزات قومی، نژادی و مذهبی و دوست داشتن دیگران را مورد بررسی قرار داده است، روش مورد استفاده در تحلیل محتوا آنتروپی شانون بوده و یافته‌های پژوهشی نشان داده

است که بیشترین فراوانی و ضریب اهمیت مربوط به مؤلفه حس همبستگی کم‌ترین فراوانی مربوط به مؤلفه نفی تمایزات قومی، نژادی و مذهبی هست.

علی عسگری (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان جایگاه مؤلفه‌های حقوق بشر در محتوای کتاب‌های درسی دوره آموزش ابتدایی ایران به این نتایج دست یافته‌اند که: توجه متعادل به مؤلفه‌های حقوق بشر نشده و در میان صفحات کتب درسی این دوره بیشترین ضریب اهمیت مربوط به مؤلفه حقوق اساسی و کمترین ضریب اهمیت مربوط به مؤلفه حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هست و بیشترین ضریب اهمیت مربوط به خرده مؤلفه حقوق زیست‌محیطی و کمترین ضریب اهمیت مربوط به خرده مؤلفه‌های حق دادخواهی عادلانه و حق مالکیت هست.

زینالپور (۱۳۹۴) پژوهشی با عنوان تحلیل محتوای کتب علوم اجتماعی دوره ابتدایی مبتنی بر مفاهیم حقوق بشر انجام داده است، روش مورد استفاده در تحلیل محتوا آنتروپی شانون بوده و یافته‌های پژوهشی نشان‌گر آن است که در کتب درسی علوم اجتماعی توجه یکسانی به مفاهیم حقوق بشر نشده بود. بیشترین ضریب اهمیت به ترتیب مربوط به مؤلفه‌های تشکیل حکومت و مشارکت در اداره جامعه، آزادی عقیده، حق حیات و حق امنیت اجتماعی بوده و کم‌ترین ضریب اهمیت (در حد صفر) به ترتیب مربوط به مؤلفه‌های آزادی و امنیت شخصی، حق مالکیت، حق آزادی اجتماعی، حق اشتغال به مشاغل عمومی، حقوق اقلیت‌ها، حقوق زنان و حقوق کودکان هست.

پژوهش‌های خارجی

لین (۲۰۰۷) به نقل از بتی راردون (۲۰۰۵) در پژوهشی با عنوان دگرگونی آموزش برای صلح به این نتیجه رسیده است که هدف از آموزش جهانی باید تربیت شهروندانی باشد که بتوانند صلح را در جهان حاکم سازند، ولی نظام‌های آموزشی و مدارس مثلاً نظام آموزشی آمریکا در تربیت شهروندان صلح‌جو کوتاهی نموده و مدارس بیشتر از این که خواهان صلح باشند بیشتر خواهان جنگ و خشونت شده‌اند و از آنجا که آموزش و پرورش عامل مهمی برای ایجاد صلح جهانی هست؛ بنابراین آموزش و پرورش در قرن حاضر باید به

تدریس فرهنگ صلح برای دانش آموزان تمرکز نماید و لازم است که آموزش و پرورش اهداف خود را در راستای هدف‌های مربوط به آگاهی‌های صلح‌جویانه بر اساس دوست داشتن تغییر جهت بدهد.

پیرس (۲۰۰۸) در پژوهشی با عنوان «آموزش حقوق بشر» بانگش جهانی به این موضوع پرداخته است که نکته کلیدی تعریف آموزش حقوق بشر در هدف نهفته است یعنی توسعه فرهنگ حقوق بشر که به روش و محتوای خاصی محدود نمی‌شود یکی از بهترین راه‌های ترویج حقوق بشر و احترام به آزادی‌های اساسی، درونی ساختن و نهادینه کردن ارزش‌ها و اصول حقوق بشر است که به منظور تحقق یافتن آن آموزش حقوق بشر ضروری هست و اولین مرحله در جهت درک بهتر حقوق بشر گنجاندن آن در برنامه درسی در سطوح مختلف آموزشی به‌ویژه دوره ابتدایی می‌باشد.

ولز (۲۰۱۲) به نقل از تسنیم ابراهیم (۲۰۱۰) آموزش جهانی را شامل آموزش صلح یعنی آموزش در راستای همکاری و احترام به فرهنگ‌های متفاوت و دموکراسی می‌داند. لذا به دلایلی می‌توان آن را با تربیت بین‌المللی انسان‌ها ارتباط داد که هدفش همدردی، اهمیت ملاحظه نقطه نظر دیگران، بلوغ در فهم، پذیرش احترام به تفاوت‌ها و سعه صدر است.

آچه (۲۰۱۲) در پژوهش خود با عنوان «برنامه درسی آموزش صلح، برنامه‌ای صحیح» به بررسی مفاهیم حقوق بشر و مسئولیت‌پذیری جوامع درباره انسان‌ها، ما متفاوت هستیم اما مشابه، تضادها و ما، مدیریت متضاد، نقش‌های اجتماعی ما، قوانین قضاوت و احترام، نمودار صلح، صلح اجتماعی، قضاوت اجتماعی، قضاوت‌های اقتصادی، راه‌های سعه صدر و عشق به صلح پرداخته است. وی معتقد است که این مسائل باید در برنامه‌های درسی به‌ویژه دوره ابتدایی مدنظر قرار گیرد.

بروک (۲۰۱۲) به نقل از بتی راردون (۲۰۰۸) کارشناس آموزش صلح آمریکا که بیش از صد راهنمای برنامه درسی درمورد صلح از مقطع پیش دبستانی تا دبیرستان را تحلیل نموده است، بیان می‌کند که: بتی راردون در تحقیقات خود به این نتایج دست یافته است که هیچ مرز و روش دقیق و هیچ استناداردی وجود ندارد که مشخص نماید آموزش صلح

چه چیزی را در برمی‌گیرد او در تحلیل خود روی نه موضوع در رابطه با آموزش صلح مطالعاتی انجام داد و آموزش موضوعاتی مانند هماهنگی، حل تعارضات، عدم خشونت یا عدم تعارض، حقوق بشر، عدالت اجتماعی، محیط‌زیست جهانی و فهم چند فرهنگی را به‌عنوان اجزا سازنده رفتار معرفی نموده است. او همچنین یکی از اهداف آموزش صلح را توسعه و ارتقای آگاهی‌هایی می‌داند که ما را قادر می‌سازد به‌عنوان شهروندان جهانی عمل نماییم.

پاور و آلیسون (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان فهم حقوق بشر معتقدند کتاب‌های درسی باید نقش مهمی در زمینه‌ی حقوق بشر، صلح و عدالت ایفا کند آنچه واضح است کتاب‌های درسی باید بازتاب مسائل اجتماعی و فردی باشد تا دانش آموزان در فرآیند نهادینه شدن شخصیتشان از وظایف و مسئولیت‌های خود آگاهی می‌یابند.

ورنر (۲۰۱۳) در پژوهشی که با عنوان «ساختاریک جامعه جهانی برای فرهنگ صلح» انجام داده است معتقد است قدرت تنوع و پتانسیل ذاتی شعرو داستان ارتباطات حسی عمیق در مخاطبین به‌ویژه کودکان ابداع می‌کند از این‌رو متخصصان تعلیم و تربیت به مریان آموزش می‌دهند که با استفاده از شعروارائه داستان برای کودکان مفاهیمی چون صلح، دوستی و محبت را نهادینه کنند و همواره شعرو ارائه داستان برای کودکان را به‌عنوان ابزاری مهم و تأثیرگذار در امر آموزش در نظر داشته باشند.

یونسکو (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان «یادگیری راه‌های صلح، راهنمای معلم برای آموزش صلح» به بررسی مفاهیم آموزش صلح، راه‌های صلح، طراحی برنامه‌ها، تمرین‌هایی که مدارس را امکانی برای صلح می‌سازد، مدل‌هایی برای آموزش صلح، کشف فعالیت‌هایی برای یادگیری صلح، یادگیری برای دوست داشتن یکدیگر، ساختار صلح در جوامع و کشورها، ارزیابی صلح در مدارس، روش‌های صلح و آموزگار صلح می‌پردازد.

انجمن مدارس بین‌الملل (۲۰۱۵) در پژوهش خود با عنوان «آموزش برای صلح» هدف آموزش برای صلح را پرورش شهروندان جهانی فعال با ویژگی‌های زیر می‌داند: آگاهی از وابستگی متقابل انسان‌ها در چارچوب جهانی، مصمم بودن به گسترش صلح، حقوق بشر و دموکراسی، آگاهی از مسئولیت خود در قبال نفس خویش و محیط اجتماعی و فیزیکی

خود، داشتن وجدان حساس نسبت به تغییرات فن آوری و اجتماعی و پیامدهای احتمالی آن تغییرات، برخورداری از رفتار، استانداردها و عادت‌های کاری که تضمین‌کننده یادگیری در تمام عمر هستند، دارا بودن اعتماد به نفس، استقلال و احترام و نیز تمایل به گرفتن تصمیم‌های عاقلانه و سنجیده.

جاگر (۲۰۱۶) در پژوهش خود با عنوان «آموزش صلح و تغییر شکل متضاد» به بررسی مفاهیم پایه مکان یادگیری برای صلح، فرآیندهای یادگیری، مکان یادگیری و تنظیمات یادگیری، صلح به عنوان ارزش جهت‌گیری شده، گروه‌های هدف برای آموزش صلح، نگرش اجتماعی و مفاهیم زمینه‌ای برای آموزش صلح در مدارس، آموزش صحیح و اصولی و آموزش صلح ساختاری می‌پردازد.

اهداف پژوهش

هدف کلی

- طراحی برنامه درسی مبتنی بر آموزش صلح در دوره ابتدایی.

اهداف جزئی

- ۱- تدوین اهداف برنامه درسی مبتنی بر آموزش صلح در دوره ابتدایی بر مبنای اسناد و متون بین‌المللی.
- ۲- تدوین محتوای برنامه درسی مبتنی بر آموزش صلح در دوره ابتدایی بر مبنای اسناد و متون بین‌المللی.
- ۳- تدوین راهبردهای یاددهی- یادگیری مبتنی بر آموزش صلح در دوره ابتدایی بر مبنای اسناد و متون بین‌المللی.
- ۴- ارائه تکنیک‌های ارزشیابی مبتنی بر آموزش صلح در دوره ابتدایی بر مبنای اسناد و متون بین‌المللی.

- ۵- تعیین منابع و ابزار یاددهی - یادگیری مبتنی بر آموزش صلح در دوره ابتدایی
برمبنای اسناد و متون بین‌المللی.
- ۶- تعیین فضا و محیط یاددهی - یادگیری مبتنی بر آموزش صلح در دوره ابتدایی
برمبنای اسناد و متون بین‌المللی.

سؤال‌های اساسی پژوهش

- ۱- برنامه درسی مبتنی بر آموزش صلح در دوره ابتدایی چه اهدافی را برمبنای اسناد و متون بین‌المللی دنبال می‌کند؟
- ۲- برنامه درسی مبتنی بر آموزش صلح در دوره ابتدایی چه محتوایی را برمبنای اسناد و متون بین‌المللی توصیه می‌کند؟
- ۳- راهبردهای یاددهی - یادگیری در برنامه درسی مبتنی بر آموزش صلح در دوره ابتدایی برمبنای اسناد و متون بین‌المللی چیست؟
- ۴- تکنیک‌های ارزشیابی در برنامه درسی مبتنی بر آموزش صلح در دوره ابتدایی برمبنای اسناد و متون بین‌المللی چیست؟
- ۵- منابع و ابزار یاددهی - یادگیری در برنامه درسی مبتنی بر آموزش صلح در دوره ابتدایی برمبنای اسناد و متون بین‌المللی چیست؟
- ۶- فضا و محیط یاددهی - یادگیری در برنامه درسی مبتنی بر آموزش صلح در دوره ابتدایی برمبنای اسناد و متون بین‌المللی چیست؟

روش پژوهش

در پژوهش حاضر برای پاسخ به سؤالات پژوهش و مطابق با اهداف به تحلیل متون موجود در جهان پرداخته شده است. لذا روش تحقیق، تحلیل محتوای کیفی انتخاب گردیده است. بایستی گفت که پژوهشگر کیفی فقط از یک روش استفاده نمی‌کند بلکه با یک سلسله رویکرد سروکار دارد و این رویکردها بر بازشناسی معناهای ضمنی و نهفته تاریخی و مفهومی در عمل پژوهش تأکید دارد. هر فردی که دست کم بخشی از یک

پژوهش کیفی را انجام داده باشد می‌داند که انجام یک پژوهش کیفی خوب مستلزم انجام یک سری از دستورالعمل‌های مختلف درباره روش یک پژوهش نیست، بلکه منبع اصلی کسب دانش و شناخت در پژوهش کیفی، درگیری پژوهشگر در فرآیند جستجوی معنا و حقیقت در رابطه با عنوان پژوهش و درواقع تلاش برای شناختی است که بینش‌های جدید و مفیدی را ایجاد می‌کند (هومن، ۱۳۸۹).

از مزایای روش تحلیل محتوای کیفی می‌توان گفت که مطالب موجود در یک متن را باید به شکل مرحله‌به‌مرحله مورد تحلیل قرارداد و هم چنین باید در این تحلیل از فرآیندهای قانونی پیروی کرده تا بتوان مطالب را در قالب واحدهای تحلیلی مفهومی تقسیم‌بندی کرد. جنبه‌های موجود در تفسیر یک متن و هم چنین سؤالات مطرح‌شده درمورد آن‌ها در قالب دسته‌بندی‌هایی قرار می‌گیرند باید آن‌ها را با دقت فراوان در چارچوب فرآیند آنالیز اصلاح و ویرایش کرد (فلیک، ۱۳۹۲، ص ۳۴۷).

مراحلی که در تحلیل محتوای کیفی مدنظر است: تعریف واحد تحلیل (کلمه، جمله، پاراگراف) کاهش داده‌ها، استفاده از مقوله‌بندی، اصلاح نظام مقوله‌بندی و یک طرح کدگذاری (طرح‌های کدگذاری می‌تواند هم به‌صورت قیاسی و هم استقرایی توسعه یابند) بر اساس داده‌ها، ارائه گزارش از داده‌های کیفی (مایرینگ، ۲۰۰۶، ص ۳).

در این تحقیق واحد تحلیل «جمله» بوده است. محقق برای پاسخ به سؤالات نیاز به مرور متون مرتبط دارد یعنی برای بررسی آموزش صلح و استخراج عناصر بر اساس آموزش صلح، اسناد و متون بین‌المللی در ارتباط با موضوع پژوهش موردبررسی قرارگرفته سپس از جمع‌بندی نتایج به‌دست‌آمده برنامه درسی شامل: اهداف، محتوا، روش‌های یاددهی - یادگیری، تکنیک‌های ارزشیابی، منابع و ابزار، محیط و فضای یاددهی - یادگیری تدوین شده است. محقق طراحی عناصر برنامه درسی استخراجی خود را بر اساس الگوگیری از عناصر برنامه درسی کلان انجام داده است، با این تفاوت که کلان عناصر برنامه درسی خود را به نه دسته اهداف، محتوا، فعالیت‌های یادگیری فراگیران، روش‌های ارزشیابی، منابع و ابزار یادگیری، زمان، محیط و فضا، گروه‌بندی فراگیران و بالاخره راهبردهای تدریس تقسیم‌بندی نموده اما محقق از بین این عناصر نه‌گانه کلان برنامه

درسی خود را در قالب شش عنصر اصلی شامل: اهداف، محتوا، روش‌های یاددهی-یادگیری، تکنیک‌های ارزشیابی، منابع و ابزار یاددهی-یادگیری و محیط و فضا طراحی نموده است.

در این مطالعه (تحلیل محتوای کیفی) حوزه پژوهش شامل متون و اسناد بین‌المللی، انجمن‌های وابسته به یونسکو و سازمان ملل که در زمینه^۱ ارائه چارچوب مناسب برای آموزش صلح در مدارس در دوره‌های مختلف تحصیلی از جمله ابتدایی فعالیت دارند، کتب و منابع پیرامون مباحث آموزش صلح، مقالات، منابع علمی، پایگاه‌های اطلاعات علمی و تحقیقات کارشناسان و متخصصان بوده است. جستجوی منابع بر اساس اهداف و سؤالات تحقیق بوده است و با انتخاب مورد به مورد و کسب داده‌ها تا جایی که داده‌ها تکرار شد و اطلاعات جدیدی به دست نیامد و فقط یافته‌های قبلی را تأیید می‌کرد انتخاب منابع ادامه یافت و روش جمع‌آوری اطلاعات روش کتابخانه‌ای است و از طریق فیش‌برداری از مبانی نظری و پیشینه‌های مرور شده و اطلاعات و اسناد و مکتوبات داخلی و خارجی به عنوان ابزار جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است که به صورت مرور، استخراج و نقل مفاهیم و عناصر آموزش صلح هریک از منابع به طور جداگانه بوده است.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز در این پژوهش نظام مقوله‌ای قیاسی بوده است که از واحد تحلیل جمله استفاده شده است. در این پژوهش نقطه شروع کار به کارگیری عناصر برنامه درسی از منظر کلان بوده است که در حقیقت مدل پیشین کار است. کاربرد نظام مقوله‌ای قیاسی چنان است که با نظریه‌های استخراجی و جنبه‌های مختلف تحلیل و مرتبط کردن آن‌ها با متن سروکار دارد. به طور کلی ایده اصلی در این روند، فرمول‌بندی معیارهای تعریف شده است که از پیشینه نظری و پرسش تحقیق به دست می‌آید و در این زمینه جنبه‌های متنی موارد مورد بررسی قرار می‌گیرد. علاوه به این معیارها، مواد مورد بررسی مورد توجه قرار می‌گیرند و مقوله‌ها مرحله به مرحله و به طور آزمایشی استخراج می‌شوند. در این حلقه بازگشتی، مقوله‌ها بارها و بارها اصلاح و از تعداد آن‌ها کاسته می‌شود تا تنها مقوله‌های اصلی بمانند و بتوان پایایی آن‌ها را بررسی کرد (مایرینگ، ۲۰۰۶، ص ۱۰).

برای بررسی روایی نیز در این پژوهش از معیار باورپذیری استفاده شده است. پذیرفتنی بودن برساخته‌های تحقیق برای سازندگان واقعیت را باورپذیری گویند. به عبارتی فلیک معتقد است که مستدل کردن متن با نقل قول‌های قابل قبول معیار باورپذیر کردن است (فلیک، ۱۳۹۲؛ ترجمه جلیلی، ص ۴۲۰).

لذا پژوهشگر برای افزایش باورپذیری از این استراتژی استفاده کرده است که به طور طولانی مدت حدود یک سال ونیم تحقیقات و داده‌های مختلف مرتبط با پژوهش را مورد بررسی قرار داده است.

در این پژوهش برای بررسی پایایی نیز از معیار اطمینان‌پذیری استفاده شده است. اطمینان‌پذیری طی فرآیند حسابرسی و بر اساس همان روش حسابرسی در حوزه امور مالی آزمون می‌شود (فلیک، ۱۳۹۲؛ ترجمه جلیلی، ص ۴۲۱).

لذا پژوهشگر به منظور کنترل اطمینان‌پذیری رویه اجرای تحقیق از استراتژی‌های زیر استفاده کرده است: ابتدا منابع مرتبط با موضوع مورد جستجو قرار گرفت و داده‌های خام گردآوری شدند. سپس از طریق خلاصه کردن، مفاهیم اولیه از داده‌های خام مرتبط در جدول استخراج شدند. در مرحله بعد آن مفاهیم مهم کدبندی شده و در جداول جدید دسته‌بندی شدند، دسته‌های به دست آمده نام‌گذاری شده و مقوله‌های اصلی به دست آمدند. سپس مقوله‌ها با توجه به سؤالات پژوهش به تفکیک در جداول مربوطه جایگزین شدند، در هر مرحله اقدامات انجام گرفته مورد ارزیابی استاد راهنما و اساتید مشاور قرار گرفته و بازبینی انجام شد تا نتایج نهایی به دست آمده و مورد تأیید قرار گرفت و نیز محقق در مطالعه کیفی مطالب و کدگذاری‌ها از اسناد و متون بین‌المللی و سایت انجمن مدارس بین‌الملل که زیر نظر سازمان ملل و یونسکو فعالیت می‌کند و نیز سایت تخصصی یونسکو در تهران کمک گرفته است و برای تأیید بیشتر، این عناصر طراحی در هر مرحله و در جهت پاسخ به سؤالات پژوهشی در اختیار چند نفر از اساتید متخصص در زمینه علوم تربیتی و روابط بین‌الملل قرار گرفت و پس از تأیید در هر مرحله ارائه گردید.

بحث و تفسیر یافته‌های پژوهش

یافته‌های این پژوهش شامل پاسخ به سؤالات پژوهش حاضر می‌باشد که عناصر طراحی برنامه درسی شامل: اهداف، محتوا، راهبردهای یاددهی - یادگیری، تکنیک‌های ارزشیابی، منابع و ابزار یاددهی - یادگیری، فضا و محیط یاددهی - یادگیری مبتنی بر آموزش صلح در دوره ابتدایی مورد بررسی قرار گرفته است. روش اجرای این پژوهش تحلیل محتوای کیفی با نظام مقوله‌بندی قیاسی و واحد تحلیل نیز جمله بوده است. کلیه منابع مکتوب و دیجیتال در دسترس موردمطالعه قرار گرفته و مباحث مربوط به آموزش صلح استخراج شده، سپس مفاهیم استخراجی از جملات مهم و مرتبط با سؤالات پژوهش در جداول کدگذاری گردید. جهت تعیین اعتبار این سطح، مطالب استخراج شده در اختیار متخصصین برنامه‌ریزی درسی و تعلیم و تربیت قرار گرفت تا صحت آن تأیید شود. حال بر اساس یافته‌های به‌دست آمده، سؤالات پژوهش تک‌تک مورد بررسی قرار می‌گیرد.

سؤال اول پژوهش: برنامه درسی مبتنی بر آموزش صلح در دوره ابتدایی چه اهدافی را بر مبنای اسناد و متون بین‌المللی دنبال می‌کند؟

مفاهیم مرتبط با سؤال اول پژوهش درباره اهداف برنامه درسی مبتنی بر آموزش صلح در دوره ابتدایی، هم دسته شده و در قالب مفاهیم جایگزین شده یا مقوله‌ها جای می‌گیرد. یافته‌های پژوهش حاضر درباره اهداف برنامه درسی مبتنی بر آموزش صلح در دوره ابتدایی شامل مقوله‌ها یا همان مفاهیم جایگزین شده زیراست: درک حقوق و وظایف شهروندی، تقویت روحیه آرامش و آشتی طلبی، تقویت حس استقلال، تربیت زیست‌محیطی، آموزش مراقبت‌های فردی، آموزش بهبود کیفیت زندگی، آموزش فهم مذاکره و گفتگو برای حل مشکلات، تربیت فرهنگی، درک وابستگی متقابل مردم جهان به یکدیگر، فهم برابری و عدالت، تربیت بینش جهانی، پرورش تفکر انتقادی، تقویت روحیه پرسشگری و خلاقیت، تقویت اعتماد به نفس و خودپنداره مثبت، تقویت روحیه همکاری و مسئولیت‌پذیری، تقویت روحیه سازگاری و دگرپذیری، تقویت دوستی و محبت.

سؤال دوم پژوهش: برنامه درسی مبتنی بر آموزش صلح در دوره ابتدایی چه محتوایی را بر مبنای اسناد و متون بین‌المللی توصیه می‌کند؟

مفاهیم مرتبط با سؤال دوم پژوهش درباره محتوای برنامه درسی مبتنی بر آموزش صلح در دوره ابتدایی، هم دسته شده و در قالب مفاهیم جایگزین شده یا مقوله‌ها جای می‌گیرد. یافته‌های پژوهش حاضر درباره محتوای برنامه درسی مبتنی بر آموزش صلح در دوره ابتدایی شامل مقوله‌ها یا همان مفاهیم جایگزین شده زیراست: توجه به حقوق فردی، دموکراسی، آشنایی با حقوق در روابط بین انسان‌ها، اهمیت حفظ محیط‌زیست، آشنایی با چگونگی حفظ و سلامتی زیستگاه، آشنایی با حس مشارکت و هم بستگی بین تمدنی، انترناسیونالیسم، آشنایی با عدالت اجتماعی، آشنایی با فهم فرهنگی، تقویت حس همبستگی، قانون مداری و احساس مسئولیت در برابر دیگران، اهمیت صلح در زندگی انسان‌ها، توجه به پرورش مهارت‌های شخصی، بینش‌های مربوط به مهارت‌های ارتباطی، زیستن صلح‌آمیز، مهارت‌های تفکر و تعقل گرایی، سهم فرهنگ‌ها و مسائل فرهنگی، جغرافیایی، اجتماعی، اقتصادی و صنعتی در گسترش صلح جهانی و آشنایی با اهمیت رشد و توسعه.

سؤال سوم پژوهش: راهبردهای یاددهی - یادگیری در برنامه درسی مبتنی بر آموزش صلح در دوره ابتدایی بر مبنای اسناد و متون بین‌المللی چیست؟

مفاهیم مرتبط با سؤال سوم پژوهش درباره راهبردهای یاددهی - یادگیری در برنامه درسی مبتنی بر آموزش صلح در دوره ابتدایی، هم دسته شده و در قالب مفاهیم جایگزین شده یا مقوله‌ها جای می‌گیرد. یافته‌های پژوهش حاضر درباره راهبردهای یاددهی - یادگیری در برنامه درسی مبتنی بر آموزش صلح در دوره ابتدایی شامل مقوله‌ها یا همان مفاهیم جایگزین شده زیراست: استفاده از روش‌های تشویقی به جای تنبیه و تهدید در جهت پرورش خلاقیت دانش آموزان، استفاده از روش‌های عملی در کلاس درس به منظور پرورش روحیه کمک به دیگران و دوستی و محبت، استفاده از روش چگونگی یادگیری

به‌جای یاددادن و با یادگیری مادام‌العمر، طراحی نمایش و ساخت ماکت‌ها، تشکیل گروه‌های همکاری برای فعالیت‌های پرورشی و فوق‌برنامه و آشنایی با نقش‌های اجرایی، استفاده از روش‌های مشاهده و گردش علمی، ذهنیت بخشی رفتار صلح‌آمیز از طریق تشویق دانش آموزان، استفاده از روش بحث و پژوهش، تنوع و انعطاف‌پذیری و مبتنی بر احترام در تدریس، گنجاندن فعالیت‌های مناسب آموزشی با موضوعات صلح و همراه با خلاقیت، استفاده از تکنیک‌های تقویت مهارت‌های بیانی و گوش دادن فعالانه به دور از تعصب، استفاده از تکنیک‌های پرسشگری همراه با درک حقیقت و استدلال، استفاده از روش‌های مبتنی بر همدردی، دلسوزی و رعایت عدالت و ترویج آن (برنامه درسی پنهان).

سؤال چهارم پژوهش: تکنیک‌های ارزشیابی در برنامه درسی مبتنی بر آموزش صلح در دوره ابتدایی بر مبنای اسناد و متون بین‌المللی چیست؟

مفاهیم مرتبط با سؤال چهارم پژوهش درباره تکنیک‌های ارزشیابی در برنامه درسی مبتنی بر آموزش صلح، هم دسته شده و در قالب مفاهیم جایگزین شده یا مقوله‌ها جای می‌گیرد. یافته‌های پژوهش حاضر درباره تکنیک‌های ارزشیابی در برنامه درسی مبتنی بر آموزش صلح شامل مقوله‌ها یا همان مفاهیم جایگزین شده زیراست: ارزیابی رفتار فراگیران با دیگران در محیط مدرسه درباره رعایت ریز فاکتورهای صلح و تشویق فراگیران به تأمل و یادگیری از اشتباهاتشان، ارزیابی دانش آموزان از چگونگی تهیه گزارش درباره فیلم‌های آموزشی و نقد آن‌ها با موضوع صلح، استفاده از هنر در ارزیابی قدرت تشخیص دانش آموزان در شناسایی ریز فاکتورهای صلح، ارزیابی چگونگی کارگروهی، تعاون و سایر رفتارها و فاکتورهای مبتنی بر صلح در گردش‌های علمی و کلاس درس، ارزیابی قدرت تشخیص دانش آموزان در شناسایی ریز فاکتورهای صلح از طریق به پایان رساندن داستان‌های ناتمام به‌عنوان یک تکلیف.

سؤال پنجم پژوهش: منابع و ابزار یاددهی - یادگیری در برنامه درسی مبتنی بر آموزش صلح در دوره ابتدایی بر مبنای اسناد و متون بین‌المللی چیست؟

مفاهیم مرتبط با سؤال پنجم پژوهش درباره منابع و ابزار یاددهی - یادگیری در برنامه درسی مبتنی بر آموزش صلح، هم دسته شده و در قالب مفاهیم جایگزین شده یا مقوله‌ها جای می‌گیرد. یافته‌های پژوهش حاضر درباره منابع و ابزار یاددهی - یادگیری در برنامه درسی مبتنی بر آموزش صلح شامل مقوله‌ها یا همان مفاهیم جایگزین شده زیراست: استفاده از هنر در آموزش صلح، استفاده از شعر در آموزش صلح، دوستی و محبت، ابزار موسیقی در جهت آموزش صلح و ایجاد آرامش، ارائه داستان‌هایی با محوریت صلح و دوستی.

سؤال ششم پژوهش: فضا و محیط یاددهی - یادگیری در برنامه درسی مبتنی بر آموزش صلح در دوره ابتدایی بر مبنای اسناد و متون بین‌المللی چیست؟

مفاهیم مرتبط با سؤال ششم پژوهش درباره فضا و محیط یاددهی - یادگیری در برنامه درسی مبتنی بر آموزش صلح، هم دسته شده و در قالب مفاهیم جایگزین شده یا مقوله‌ها جای می‌گیرد. یافته‌های پژوهش حاضر درباره فضا و محیط یاددهی - یادگیری در برنامه درسی مبتنی بر آموزش صلح شامل مقوله‌ها یا همان مفاهیم جایگزین شده در زیراست که این مقوله‌ها عبارتند از: ایجاد محیط امن و دوستانه، ایجاد محیطی برای آزاداندیشی و تفکر درباره مسائل، ایجاد محیط پرتحمل، پذیرا و حمایتگر آموزشی، ایجاد محیطی با فرصت‌های برابر آموزشی به دور از تبعیض، ایجاد محیطی قابل اعتماد و فارغ از تهدید.

جمع‌بندی

آموزش برای صلح رامی توان یک مدل مفهومی دانست که مدارس می‌توانند با استفاده از آن برنامه‌ای مبتنی بر انتقال ارزش‌های جهانی، رفتارهای پایدار و ایجاد مهارت‌ها بسازند که دانش‌آموزان ما را قادر خواهد ساخت به شهروندان فعال جهانی تبدیل شوند و از آنجایی که آموزش و پرورش فرآیندی است که برای تغییر و تعدیل رفتار فراگیران تلاش

می‌کند و برای تحقق هدف‌های مشخص به فعالیت می‌پردازد، در این عرصه پهناور عوامل گوناگونی اثرگذار است که در این میان نقش اساسی بر عهده برنامه درسی و طراحان برنامه درسی است که عناصر اصلی آن شامل اهداف، محتوا، راهبردهای یاددهی - یادگیری و روش‌ها و تکنیک‌های ارزشیابی هست. هدف از آموزش برای صلح را می‌توان پرورش شهروندان جهانی فعال با ویژگی‌هایی شامل: آگاهی از وابستگی متقابل انسان‌ها در چارچوب جهانی، مصمم بودن به گسترش صلح، حقوق بشر و دموکراسی، آگاهی از مسئولیت خود در قبال نفس خویش و محیط اجتماعی و فیزیکی خود، داشتن وجدان حساس نسبت به تغییرات فن‌آوری و اجتماعی و پیامدهای احتمالی آن تغییرات، برخورداری از رفتار، استانداردها و عادت‌های کاری که تضمین‌کننده یادگیری در تمام عمر هستند، دارا بودن اعتماد به نفس، استقلال و احترام و نیز تمایل به گرفتن تصمیم‌های عاقلانه و سنجیده دانست؛ بنابراین هدف آموزش صلح باید توسعه همه‌جانبه شخصیت و ماهیت بشری و پرورش حس احترام به حقوق و آزادی‌های اساسی بشر باشد. آموزش باید تفاهم، تحمل و دوستی را در میان همه ملت‌ها و گروه‌های نژادی و مذهبی گسترش داده و به فعالیت‌های سازمان ملل در برقراری صلح کمک کند. اکنون زمانی است که جامعه جهانی و آموزش و پرورش وظیفه اطمینان بخشیدن به مردم را دارند، محتوای کتب درسی و آموزشی نقش مؤثری در ارتقای برابری، صلح و تصور حقوق بشر جهانی دارد، در نتیجه تمامی برنامه‌های درسی و آموزشی مؤسسات و مراکز آموزشی باید در جهت ارتقای عزت نفس افراد، آگاهی اجتماعی و ایجاد توانایی شرکت در تمامی سطوح جامعه از ملی تا جهانی باشد. هنگامی که در مورد حقوق بشر کار می‌کنیم این فرصت هست که رابطه میان حقوق و مسئولیت‌ها و تنشی که می‌تواند به واسطه نقض حقوق فردی، خانوادگی، اجتماعی، ملی و جامعه جهانی به وجود می‌آید بررسی شود. برنامه آموزش برای صلح رami توان به روش‌های گوناگون در برنامه درسی گنجانده. این روش‌ها در بسیاری از سیستم‌های ملی آموزش و بسیاری از مدارس مستقل در تمام جهان نیز رایج هستند. از جمله مهم‌ترین این روش‌ها، تجربیات زیسته دانش آموزان را مدنظر قرار می‌دهد و مروج رویکرد ساختارگرایانه نیز هست. در این روش معلمان متوجه هستند که دانش آموزان با

خود یک دانش اولیه را به هر موقعیت یادگیری می آورند و به واسطه فعالیت هایی که معلم آن ها را طراحی کرده در برنامه درسی درگیری می شوند، دانش آموزان با درک تجربیات خود به ساختن معنی مبادرت می کنند، این فرآیند را باید به صورت یک فرآیند چرخشی در نظر گرفت. به عنوان بخشی از فرآیند ساخت معنی توسط یادگیرندگان باید به آن ها فرصت تعمق درباره آنچه فرا می گیرند داده شود، با درونی شدن این فرآیند انتظار می رود که دانش آموزان به آنچه یاد می گیرند عمل نیز بنمایند. ارزشیابی و روش های آن نیز از جمله عناصر اساسی برنامه درسی است؛ بنابراین نیاز به ارزیابی دانش آموزان برای تبدیل شدن به شهروندان فعال جهانی برای موفقیت برنامه آموزش برای صلح اهمیت کلیدی دارد. آموزش برای صلح در حیطه یادگیری عاطفی به ظهور می رسد که اندازه گیری صد درصد کمی آن ممکن نیست از این رو ارزیابی کارآمدی برنامه آموزش برای صلح در آموزش دانش آموزان و جامعه مدرسه به طور کلی می تواند از روی وجود شاخص هایی که توسط انجمن های بین المللی، یونسکو و پژوهشگران مختلف صورت می گیرد انجام شود و از آنجا که هیچ کس نمی تواند منکر اهمیت یک جهان سالم تر، با آرامش تر و صلح پذیرتر باشد، چنین جهانی به دست نخواهد آمد مگر این که اذهان انسان از همان سنین کودکی و نوجوانی از هرگونه خشونت، بیزاری و نفرت مبرا شود؛ بنابراین مدارس باید از همان دوران کودکی و نوجوانی از هر فرصتی برای ارائه چنین آموزش هایی استفاده نماید. آموزش برای صلح را می توان به سه بخش کلی تقسیم بندی کرد که شامل: صلح با خود، صلح با طبیعت و صلح اجتماعی است. در مرحله نخست باید در آموزش هایی به کودک، خودباوری و دوست داشتن خود واقعی آموزش داده شود. اگر کودک و حتی هر انسانی خصوصیات فردی خود را نپذیرد، در آینده نیز نمی تواند صلح را در بین دوستان و اجتماع خود برقرار نماید. در مرحله بعدی باید به کودک آموخت که با محیط پیرامون خود از گیاهان و حیوانات رفتار دوستانه و صلح آمیزی داشته باشد و از رویدن یک گل در شکاف دیوار لذت ببرد. برای حیوانات حق زندگی قائل شود و به طور کلی با محیط اطراف خود دوست باشد و حتی به اشیاء عشق بورزد. در مرحله نهایی باید صلح اجتماعی آموخته شود. کودک باید بداند چگونه از حقوق فردی خود دفاع

کند، بدون این که فرهنگ صلح را زیر پا گذاشته باشد. یکی از بارزترین نمادهای عدم برقراری صلح رقابت درسی در بین دانش آموزان، رشته‌های مختلف ورزشی و نمره سالاری در مدارس است که باید از آن جلوگیری کرد. به‌طور کلی آموزش واقعی نباید در جهت طرد دیگران قدم بردارد به‌طوری که مواجه شدن با دیگران از طریق گفتگو و مذاکره یکی از ابزارهایی است که تعلیم و تربیت در قرن حاضر به آن نیازمند است؛ بنابراین به دلیل اهمیت موضوع آموزش صلح و توجه به آن در برنامه درسی مدارس به‌ویژه دوره ابتدایی که سرآغاز رشد فکری و عقلانی دانش آموزان است پژوهش حاضر درصدد برآمد که به طراحی برنامه درسی مبتنی بر آموزش صلح در دوره ابتدایی به‌صورت یک مطالعه کیفی برآید. با توجه به یافته‌های حاصل از این پژوهش، می‌توان از کنار هم قراردادن مقوله‌های به‌دست آمده برای هریک از عناصر مبانی علمی، اهداف، محتوا، راهبردهای یاددهی - یادگیری و تکنیک‌های ارزشیابی فراگیر به مدل پیشنهادی برای طراحی برنامه درسی مبتنی بر آموزش صلح دست یافت. به‌طور کلی پژوهش حاضر به‌عنوان یک مدل طراحی برنامه درسی مبتنی بر آموزش صلح برای کلیه برنامه ریزان و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت کشور این امکان را فراهم می‌نماید که با یک زاویه دید جدید به بازنگری جدی در عناصر برنامه‌های درسی کشور در دوره ابتدایی بپردازند و مدارس نیز می‌توانند با استفاده از آن برنامه‌ای مبتنی بر انتقال ارزش‌های جهانی، رفتارهای پایدار و ایجاد مهارت‌ها بسازند که دانش آموزان ما را قادر خواهد ساخت به شهروندان فعال جهانی تبدیل شوند و این درک و فهم می‌تواند راهنمای آن‌ها برای تحقق انسانیت، صلح و آرامش در جهان باشد.

منابع

- ایمانم، نوشادی م. ۱۳۹۰. تحلیل محتوای کیفی. دو فصلنامه علمی پژوهشی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره)، ۴۴، ۲-۱۵.
- تیغ بخش س. ۱۳۹۰. تحلیل محتوای برنامه‌های درسی تعلیمات اجتماعی بر مبنای مؤلفه‌های پدیده جهانی شدن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم تربیتی گرایش برنامه‌ریزی آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان اصفهان.

حافظ نیام. ۱۳۸۷. مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. تهران: انتشارات سمت، ۳۰۲ صفحه.

ذکاوتی فراگزلو. ۱۳۹۰. آموزش صلح. تهران: انتشارات نوروز هنر، ۱۲۰ صفحه.
زینالپور ح. ۱۳۹۴. تحلیل محتوای کتب علوم اجتماعی دوره ابتدایی در ارتباط با مفاهیم حقوق بشر. فصلنامه پژوهش در برنامه‌ریزی درسی. سال دوازدهم، دوره دوم، ۱۸، ۴۲-۵۳.

ساعد ا. ۱۳۹۰. حقوق بشر، صلح و امنیت بین‌المللی. تهران: انتشارات مجد، ۲۵۰ صفحه.
عابدینی بلتورک م. ۱۳۹۲. بررسی و تحلیل مؤلفه‌های آموزش صلح در کتب درسی دوره ابتدایی. فصلنامه علوم تربیتی

دانشگاه شهید چمران اهواز، سال بیستم، دوره ششم، ۱۷۰، ۲-۱۵۱.
علی عسگریم. ۱۳۹۲. جایگاه مؤلفه‌های حقوق بشر در محتوای کتاب‌های درسی دوره آموزش ابتدایی ایران. فصلنامه نظریه و عمل در برنامه درسی، سال اول، ۱، ۱۶۸-۱۴۷.

فتحی، واجارگاه ک. ۱۳۹۰. بررسی جایگاه صلح و جنگ در کتب درسی دوره ابتدایی. مجله علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی.

فلاح نودهی م. ۱۳۸۸. بررسی مؤلفه‌های آموزش صلح یونسکو در اسناد و مدارک جمهوری اسلامی ایران ۸۵-۱۳۸۳ و سند چشم‌انداز بیست‌ساله نظام جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه دانشور رفتار دانشگاه شاهد تهران، سال شانزدهم، ۳۶، ۶۸-۵۵.

فلیک ا. ۱۳۹۲. درآمدی بر تحقیق کیفی. ترجمه جلیلی ه. تهران: نشرنی، ۴۹۲ صفحه.
قلتش ع. ۱۳۸۹. بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های حقوق بشر در کتب درسی دوره ابتدایی. فصلنامه روان‌شناسی تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن، سال اول، ۳، ۶۷-۵۸.

گال م و همکاران. ۱۳۹۲. روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی. ترجمه نصر آر و همکاران، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ هشتم، جلد اول، ۷۰۳ صفحه.

هاشمی س. ۱۳۸۸. تحلیل محتوای کتاب‌های درسی علوم اجتماعی دوره ابتدایی بر اساس مؤلفه آموزش صلح. فصلنامه مطالعات برنامه درسی، ۱۵، ۱۰۴-۸۳. هومن ح.ع. ۱۳۸۹. راهنمای عملی پژوهش کیفی. تهران: انتشارات سمت، ۱۸۱ صفحه.

- Acheh B. 2012. Peace Education Program Director: Unesco Publication, 92.
- Allaadin I. 1989. Teaching for Global Awareness. ATA Magazine, Pp: 8-9.
- Brock-Utne B. 2012. Peace Education in an Era of Globalization, Peace Review, Pp: 131-138.
- Dewine Y. 1998. Education for a peaceful World. Journal of American Psychologist, 48.
- Fujikan H. 2009. Approaches to Global Education in the United States, the United Kingdom and Japan, International Review of Education, Kluwer Academic Publishers.
- Galtung J. 1985. Twenty Five Years of Peace Research Journal of Peace Research, 22(2).
- International Schools Association. 2015. Education for Peace-A Curriculum Frame Work K-12: ISA, 30 p.
- Jager U. 2016. Peace Education and Conflict Transformation: Berghof Fondation, 230.
- James J. 2000. Hope Through Action, Paper presented at National Conference of Peace Education. New York, Nov. 16.
- Kirkwood T. 2001. Our Global Age Requires Global Education: Clarifying Definitional Ambiguities, the Social Studies.
- Lin J. 2007. Love, Peace and Wisdom in Education: Transforming Education for Peace, Harvard Education Review: Academic Research Library.
- Macdonald L G. 2007. Traditional Approaches to Citizen Education, Globalization, towards Peace Education Frame Work Canada: House University.
- MacFarland S. 2003. A Model for peace Education: Montessori life. 11
- Marshall H. 2009. Book Review: Educating Citizens for Global Awareness: Journal of Research in International Education, Sage Pub; pp. 235-238

- Mayring P. 2006. Qualitative Content Analysis. Available from: <http://qualitative-research.net/fqs-e/200inhalt-e.htm>. about 15p Accessed on: 10 June 2006.
- Pearse S. 2008. European Teachers Seminar on Human Rights Education in a Global perspective. Strasbourg, Austria: Council of Europe.
- Power S, Allison G. (Eds.). 2012. Realizing Human Rights: Moving from Inspiration to Impact. Palgrave Macmillan.
- Selby D. 2000. Global as Transformative Education. ZEP23. Jg. Heft 3. Pp: 3-9.
- Sunds S. 1993. Education for peace and International Understanding, Paper from Omep International Seminar, Moscow, Russia.
- Sydiaha J. 1987. Spirit of Coyote Women in W. Needham (Ed). Women and Peace Halifax, Ns: Voice of Women.
- Triolo R. 2008. Civics and Citizenship Education, Monash University, Proquest Education Journals.
- Tucker J. 2000. Global Education Is ESS Entail to Secondary School Social Studies, Available from: <http://bul.sagepub.com>.
- Tye K. 2003. Globalizing Global Education to Nurture World Citizens, Published at P.O Box 789, Bloomington.
- Unesco. 1998. the Adaptation of Content to the Challenges of the 21st Century. IB. Geneva. Available from: <http://www.Unesco.org>.
- Unesco. 2010. Preliminary Consolidated Report to the United Nation on a Culture of Peace, Available from: <http://www.Unesco.org>.
- Unesco. 2014. Learning the Way of Peace a Teachers Guide to Peace Education: Publication Unesco, 244.
- United Nations and Human Rights. 1976. Available from: <http://www.Un.org>.
- Wells R. 2012. the Global and the Multicultural Opportunities: Challenges and Suggestion for Teacher Education. Multicultural Perspectives, 10(3), 142-149.
- Werner W. 2013. Building a Global Community for a Culture of Peace: the Hague Appeal for Peace Global Campaign for Peace Education. Journal of Peace Education, 10, 3, 138-156.